

54-203
8E-1.3

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 54

Date of filing: 2. Feb. 84
~~20 Dec 83~~

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award 20 Dec 83
_____ pages in English 26 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

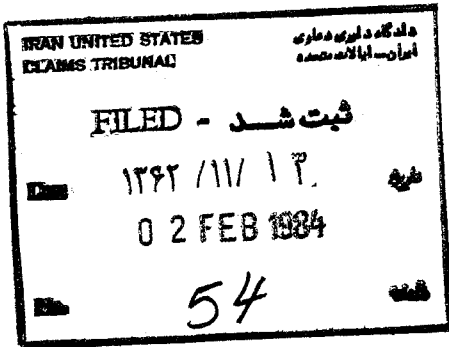
پرونده شماره ۵۴

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۵۴ - ۹۷

DUPLICATE
ORIGINAL

دستخبر برابر اصل



دیمزاند مور،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

سازمان انرژی اتمی ایران،

شرکت ملی صنایع فولاد ایران،

مرکز پزشکی ایران،

شرکت ملی گاز ایران،

خوانندگان.

حکم

حاضران:

از جانب خواهان: آقای استیفن هوارد،

آقای جفری همرلینگ،

وکلای خواهان،

از جانب خوانندگان: آقای محمدکریم اشراق،

قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای خسرو طیبی

مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای محمدادیب نظری،

وکیل سازمان انرژی اتمی ایران

- ۲ -

خانم فرزین فریدنی،
وکیل شرکت ملی فولاد ایران
آقای رضا اشرف
از شرکت ملی فولاد ایران،
آقای الہیار موری،
وکیل شرکت ملی گاز ایران
آقای معینی،
وکیل وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران

آقای آرتو دلیو، رواین،
نمایندہ رابطہ ایالات متحدہ امریکا
خانم الیزابت کیفر،
دستیار نمایندہ رابطہ

همچنین:

www.irandocs.com

- ۴ -

بهمن ماه ۱۳۶۱) اقدام به ثبت دفاعیه‌های تکمیلی نمودند. شرکت فولاد در تاریخ اخیر الذکر پاره‌ای اسناد را تسلیم نمود. انرژی اتمی لایحه دیگری را در ۴ آوریل ۱۹۸۳ (۱۵ فروردین ماه ۱۳۶۲) ثبت کرد. در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۸۳ (۲۵ اسفند ماه ۱۳۶۱) دیوان مقرر نمود که موضوع صلاحیت، که بدواً "قرار بود به عنوان یک موضوع مقدماتی مورد رسیدگی قرار گیرد، به ماهیت دعوی منضم گردد.

خواهان، در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۸۳ (۲۵ فروردین ماه ۱۳۶۲) سوگندنامه‌ها و مستندات ولایحه‌حین استماع را که ضمن آن استرداد ادعای خود علیه مرکز پزشکی و شرکت گاز را عنوان کرده بود، به ثبت رساند. شرکت فولاد در ۲۵ آوریل ۱۹۸۳ (۵ اردیبهشت ۱۳۶۲) مستندات، و در تاریخ ۵ مه ۱۹۸۳ (۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) تکمله دیگری بردفاعیه و ادعای متقابل خود، در ۹ مه ۱۹۸۳ (۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) لایحه حین استماعی را ثبت کرد. انرژی اتمی لایحه حین استماع را در تاریخ ۱۰ مه ۱۹۸۳ (۲۰ اردیبهشت ماه) به ثبت رساند.

در تاریخ ۱۱ مه ۱۹۸۳ (۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) وزارت امور اقتصادی ایران دادخواست متقابلی را در مورد بدهیهای مالیاتی ادعائی در رابطه با خدمات انجام شده برای انرژی اتمی، ثبت کرد.

در روزهای ۱۲ و ۱۳ مه ۱۹۸۳ (۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) جلسه استماعی برگزار شد که در آن همه طرفها غیر از مرکز پزشکی حضور داشتند. در اولین روز استماع، مرکز پزشکی به ثبت موافقت خود با استرداد ادعای مطروح علیه آن و ادعای متقابل خود اقدام، و شرکت فولاد لایحه تکمیلی دیگری را به ثبت رساند. در دومین روز استماع پرونده، انرژی اتمی و شرکت فولاد اقدام به ثبت مستندات تکمیلی نمودند.

متعاقب استماع پرونده، داوران تصاحبی جمهوری اسلامی ایران استعفا نمود و داوری جدیدی به جای وی منصوب شد. دیوان تصمیم گرفت سه استماع قبلی پرونده تجدید نشود (رجوع شونده ماه ۱۴ قوا عدد دیوان).

در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۸۲ (۲۰ خرداد ماه ۱۳۶۱) خواهان اقدام به ثبت سوگندنامه و اسنادومدارک جدید و اعتراضات کتبی نسبت به پیاره‌ای از ادعای متقابل شرکت فولاد نمود.

در ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ (۵ مرداد ماه ۱۳۶۲)، شرکت فولاد اقدام به ثبت اسنادومطالب جدیدی کرد. انرژی اتمی در تاریخ ۸ اوت ۱۹۸۳ (۱۷ مرداد ماه ۱۳۶۲) یک لایحه پس از استماع و شرکت گاز در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۸۳ (۹ شهریور ماه ۱۳۶۲) اظهاریه جدیدی را ثبت کرده و ضمن آن مدارک جدیدی را اقامه و ادعای متقابلی را بابت مالیاتها و حق بیمه‌های اجتماعی مطرح ساختند.

در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۵ شهریور ماه ۱۳۶۲) شرکت گاز یک لایحه کتبی جدید همراه با یک مستند تازه به ثبت رساند. خواهان در ۳ اکتبر ۱۹۸۳ (۱۱ مهر ماه ۱۳۶۲) اعتراضاتش را نسبت به مطالب ثبت شده شرکت گاز در تاریخهای ۳۱ اوت و ۱۶ اوت (۹ شهریور ماه و ۲۵ مرداد ماه) ثبت کرد. در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۳ (۲۳ آذر ماه ۱۳۶۲) شرکت گاز اظهاریه‌ای حاوی مدارک و استدلالات تازه ثبت نمود.

انصاف، نظم و ترتیب و اجتناب از بیعدالتی نسبت به طرف دیگر پرونده ایجاب می‌کند که دیوان داری، به اسنادومدارکی که طرفین پس از جلسه استماع بدون اجازه به ثبت رسانده‌اند، ترتیب اثر ندهد. بالنتیجه، ادعای متقابل شرکت گاز بابت مالیاتها و حق بیمه‌های اجتماعی پذیرفته نیست.

با توجه به استرداد ادعای مطروح علیه مرکز پزشکی توسط خواهان، و موافقت مرکز پزشکی با این امر، دیوان به ادعای مزبور و ادعای متقابل مرکز پزشکی خاتمه می‌بخشد. مابقی این حکم منحصراً "به بقیه ادعاها و ادعای متقابل مربوط می‌شود."

بخش دوم - رهسوس کلی اظهارات و استدلالات طرفین

خواهان مدعی است که دیوان نسبت به تمام ادعاها دارای صلاحیت است، چه طبق اظهارخواهان کلیه این ادعاها متعلق به یک تبعه ایالات متحده بوده و علیه ایران

- ۶ -

اقامه شده و ناشی از قراردادها، دیون، سلب مالکیت یا سایر اقدامات موثر بر حقوق مالکیت می باشد. ایران و انرژی اتمی قبول ندارند که ادعاهای مطروح علیه آنها متعلق به یک تبعه ایالات متحده است.

خواهان علیه انرژی اتمی به خاطر نقض قرارداد فیما بین انرژی اتمی و دیمزاندمور اینترنشنال اس آر ال ("دیمزاندمور اینترنشنال")، یک شرکت ونزوئلائی با مسئولیت محدود طرح دعوی کرده و یا بصورت تخییری، اجرت المثل خدمات انجام شده و یا مبالغی را که حسب ادعا، طبق یک صورت حساب ابزاری لازم الادا می باشد، مطالبه می کند. انرژی اتمی اظهار می دارد که دیوان به موجب قیاستثنای نهائی ذیل بند ۱ ماده دویانیه حل و فصل دعاوی، صلاحیت رسیدگی به ادعای را ندارد. انرژی اتمی، همچنین اظهار می دارد که دیوان فاقد صلاحیت رسیدگی به ادعاهای مربوط به اجرت المثل و یا مبالغ واجب الادا طبق یک صورت حساب ابزاری می باشد. در مورد اصل دعوی، انرژی اتمی، به دلیل نقص در کسب مدارک، موارد دیگر نقض قرارداد و اختلاف صورت حسابها، منکر مسئولیت است.

انرژی اتمی بابت خساراتی که حسب ادعا در اثر نقض ادعای درکار، متحمل شده و بابت بدهیهای ادعائی مربوط به مالیات و حق بیمه های اجتماعی علیه خواهان ادعاهای متقابلی را مطرح و غیر خواستار لغو قرار توقیف صادره توسط یک داور ایالات متحده شده است. خواهان ادعای نقص انجام کار را انکار نموده و به صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل بابت مالیات و حق بیمه های اجتماعی ایراد گرفته است. خواهان همچنین اظهار می دارد که چون قرار توقیف یا دنده لغو گردیده ادعای متقابل مربوط به آن بیمورد و زائد است.

ادعای مطروح علیه دولت جمهوری اسلامی ایران برای اظهار خواهان مبتنی است که از پاره ای تجهیزات وی سلب مالکیت بعمل آمده است. خواننده مذکور با این استدلال به مدافعه می پردازد که خواهان مالک تجهیزات مورد بحث نبوده و آنرا به اتباع مختلف ایران منتقل ساخته است.

(۱) بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر در باره حل و فصل ادعاهای توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران.

- ۷ -

در رابطه با ادعای مطروحه علیه شرکت فولاد، خواهان ادعای خود را بصورت تخییری مطرح ساخته و مطالبی را که در نتیجه نقض قرارداد منعقد با دیمزاند مورا بینترنشال قابل پرداخت بوده اما پرداخت نشده، اجرت المثل خدمات انجام شده، و مطالبی واجب الادا طبق صورت حساب ابـرـازـی را مطالبه می‌کند. شرکت فولاد اظهار می‌دارد که کلیه مطالب مورد اختلاف را پرداخته است.

شرکت فولاد بابت خسارات ناشی از نقض قرارداد، حق بیمه‌های اجتماعی پرداخت نشده، نقص در کار و لطمه به شهرت، ادعای متقابل طرح کرده است. خواهان منکر آنست که دیمزاند مورا بینترنشال قرارداد را نقض کرده یا شرکت فولاد در نتیجه نقض قرارداد متحمل خسارت شده، و به صلاحیت دیوان نسبت به ادعای متقابل مربوط به حق بیمه‌های اجتماعی ایراد می‌گیرد. خواهان همچنین ادعای نقص در کار را رد کرده و مدعی است که شت ادعای متقابل خلاف بوده است.

خواهان، بصورت تخییری علیه شرکت گاز بابت عدم پرداخت صورت حسابها برخلاف قرارداد منعقد با دیمزاند مورا بینترنشال، یا بابت اجرت المثل خدمات انجام شده و یا بابت مطالبی واجب الادا طبق یک صورت حساب ابـرـازـی طرح دعوی کرده است. شرکت گاز وجود قرارداد را تکذیب نموده و مدعی است که دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای مربوط به اجرت المثل و یا مطالبی واجب الادا طبق صورت حساب ابـرـازـی را ندارد.

کلیه طرفها هزینه‌های داوری خود را مطالبه می‌کنند.

بخش سوم - صلاحیت : مالکیت ادعاها و صلاحیت نسبت به خواندگان

بند ۱، ماده دوم بیانیه حل و فصل دعوی، دیوان داوری را، از جمله، "به منظور رسیدگی به ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران..." تاسیس کرده است. بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده هفتم بیانیه عناوین مربوط را به شرح زیر تعریف کرده است:

۱ - "تبعه" ایران و یا ایالات متحده، بر حسب مورد، بدین معنی است:

(الف) شخص حقیقی که شهروند ایران و یا ایالات متحده می‌باشد.

- ۸ -

(ب) شرکت ویا شخص حقوقی دیگری که طبق قوانین ایران ویا ایالات متحده ویا هریک از ایالات ونواحی آن، ناحیه کلمبیا ویا مشترک المنافع پرتوریکو تشکیل یافته باشد، مشروط به اینکه، اشخاص حقیقی تبعه آن کشور مجتمعا " بصورت مستقیم ویا غیرمستقیم درچنین شرکت ویا شخصیت حقوقی سهمی معادل ۵۰ درصد ویا بیشتر از سرمایه آنرا داشته باشند .

۲ - " ادعاهای اتباع " ایران ویا ایالات متحده بر حسب مورد عبارت است از ادعاهائی که از تاریخ بوجود آمدن ادعا تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه مستمرا " در اختیار اتباع آن کشور بوده اند، شامل ادعاهائی که بطور غیرمستقیم، از طریق مالکیت سرمایه ویا سایر علائق مالی، در مورد اشخاص حقوقی، در مالکیت ایسین اشخاص بوده اند مشروط به اینکه منافع مالکیت چنین اتباعی، مجتمعا " در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت ویا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه بر آن مشروط بر اینکه شرکت ویا شخص حقوقی خود در چها رچوب این بیانیه حق اقامه دعوا نداشته باشد .

ادعاهائی که به هیئت داوری ارجاع میشود، از تاریخ طرح ادعا نزد هیئت داوری، خارج از صلاحیت قضائی دادگاههای ایران ویا ایالات متحده یا هر دو دیگر خواهد بود .

۳ - " ایران " یعنی دولت ایران وهر نوع سازمان فرعی سیاسی ایران وهر نوع موسسه، واحد و تشکیلاتی که بوسیله دولت ایران ویا سازمانهای سیاسی فرعی آن کنترل میشود .

خواهان مدعی است از زمان بروز هریک از ادعاها تا کنون، یک شرکت مدنی بوده است که طبق قوانین ایالات متحده تشکیل یافته و بیش از ۵۰ درصد شرکت متعلق به اشخاص حقیقی تبعه ایالات متحده بوده و وی در مفهوم بند ۱ ماده هفتم مذکور در فوق شهروند ایالات متحده بوده است . در تائید این ادعاها، خواهان سوگندنامه ای از مدیر کل مالی خود تسلیم نموده که مراتب فوق را تائید و حقوق مالکیت دیمزاند مور را تشریح و ثابت می کند که قریب به ۹۰ درصد شرکای آن در طول مدت ذریبیط شهروند ایالات متحده بوده اند .

خواهان مدارک دیگری را ثبت نموده که طبق قانون ملزم بوده . در تاریخهای ۲۶ ژوئن ۱۹۷۹ (۵ تیرماه ۱۳۵۸) و ۱۶ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آذرماه ۱۳۶۰) به وزارت دفاع ایالات متحده تسلیم نماید . مدارک مزبور مشتمل بر فهرست اسامی و تابعیت هریک از

- ۹ -

شرکای خواهان در تائید واقعیت‌های مورد شهادت است. بالاخره، خواهان گزارشی توسط یک حسابدار مستقل تسلیم داشته‌حاکى از اینکه در تاریخهای ۳۰ مارس ۱۹۷۹، و ۲۹ مارس ۱۹۸۰ و ۲۷ مارس ۱۹۸۱ (۱۰ فروردین‌ماه ۱۳۵۸، ۹ فروردین‌ماه ۱۳۵۹ و ۷ فروردین‌ماه ۱۳۶۰) حقوق مالکیت اشخاصی که تبعه ایالات متحده نیستند، از ۹ درصد سرمایه خواهان تجاوز نکرده است.

اگرچه خوانندگان به کفایت مدارک مربوط به تائید واقعیت‌های ادعا شده، با اینحال هیچگونه مدارکی در رد آن ارائه ننموده‌اند. بنابراین، دیوان داورى بر این نظر است که خواهان تبعه ایالات متحده است.

خواهان، مضافاً " ادعای می‌نماید که واجد حقوق مالکیتی در دیمزاند مور بوده است که در طول مدت ذریبط، برای کنترل آن شرکت کافی بوده و ضمناً " دیمزاند مور اینترنشنال، خود صلاحیت قانونی جهت اقامه دعوی نزد دیوان داورى را ندارد و دیمزاند مور اینترنشنال تمام حقوق خود نسبت به ادعای علیه انرژی اتمی را به خواهان واگذار نموده است. مدارک خواهان در رابطه با این ادعاها به شرح زیر است: ۱ - سوگندنامه مذکور در فوق ۲ - سوگندنامه یکی از شرکای دیمزاند مور که مدیر کل اداری دیمزاند مور اینترنشنال است، ۳ - مستخرجاتی از اساسنامه شرکت اخیرالذکر ۴ - سند بدون تاریخی به امضای مقامات دیمزاند مور اینترنشنال در تائید و گذاری ادعای آن علیه انرژی اتمی به خواهان.

مدارک یاد شده نشان می‌دهد که ۵ درصد سرمایه دیمزاند مور اینترنشنال به نام مدیر کل اداری آن که یکی از شرکای دیمزاند مور و تبعه ایالات متحده بوده، نگهداری می‌شده، ۵ درصد آن به نام یک تبعه ونزوئلایی و ۹۰ درصد به نام خواهان بوده است. مدارک دیگری مرکب از دو سند مانی تسلیم گردید که در آن ۲ نفر مالک ۵ درصد های یاد شده اظهار داشته‌اند که حقوق (مالکیت) آنها با وجوهی که توسط خواهان تامین شده خریداری شده است. خوانندگان نه ادعاهای مزبور را مورد ایراد قرار داده و نه مدارکی در رد آن ارائه کرده‌اند. علیهذا، دیوان چنین نتیجه می‌گیرد که خواهان از زمان بروز ادعای مالک حداقل ۹۰ درصد کلیه حقوق موجود دیمزاند مور اینترنشنال بوده است.

با توجه به این نتیجه گیری لازم نیست اثراتی که احیاناً " واگذاری ابرازی ادعا علیه انرژی اتمی به خواهان داشته ، تعیین شود .

خوانندگان استدلال می کنند که خواهان شرط مندرج در بند ۱ ماده هفتم را مبنی بر اینکه حقوق مالکیت آن باید "در هنگام بوجود آمدن ادعا کافی برای کنترل" دیمزاند مور اینترنشنال باشد ، واجد نیست . خوانندگان به ماده ۱۰ اساسنامه شرکت اخیرالذکر اشاره می نمایند که مقرر می دارد در جلسات شرکت تصمیمات فقط با حضور حداقل دو نفر مالک که حداقل ۶۰ درصد مجموع سهام شرکت را دارا باشند اتخاذ خواهد شد . خوانندگان اظهار می دارند که بر اساس این شرط حتی اگر خواهان مالک قانونی ۹۰ درصد دیمزاند مور اینترنشنال کامپنی باشد ، باز خود را " نمی توانسته عامل اتخاذ تصمیمات شرکت باشد و لذا نمی توان گفت که شرکت را تحت کنترل داشته است .

دیوان نمی تواند این استدلال را بپذیرد . دو مالک اسمی ۵ درصد ، به موجب توافق خودشان ، به عنوان امنای خواهان اقدام نموده و در این مقام نمی توانسته اند از برگزاری جلسه شرکت ممانعت نمایند . علاوه بر این ، حتی اگر اکثریت اسمی سهامداران می توانستند از ایجا حدنصاب در جلسه شرکت جلوگیری کنند ، این امر تا شیر چندانی در کنترل یا عدم کنترل شرکت توسط اکثریت ندارد . این نکته اظهار نشده است که شرایط مربوط به حدنصاب برآورده نشده و مضافاً ، صاحبان اکثریت سهام کماکان می توانند نظر خود را در مورد کلیه اقدامات شرکت دیکته کنند و اکثریت به هر صورت قادرند شرایط مربوط به حدنصاب را تغییر دهند . با توجه به مراتب بالا ، دیوان داری متقاعد شده است که حقوق مالکیت خواهان برای کنترل دیمزاند مور اینترنشنال در دوره مربوط کافی بوده است .

در پرتو آنچه گفته شد ، دیوان داری چنین نتیجه می گیرد که کلیه ادعاها ، ادعاهای متعلق به یک تبعه ایالات متحده در مفهوم بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی است .

این نکته که انرژی اتمی ، شرکت فولاد و شرکت گاز واحدهای تحت کنترل دولت ایران هستند مورد ایراد واقع نشده و بنا بر این ، کلیه ادعاها متوجه "ایران" بنا به تعریف ذیل بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی می باشد .

بخش چهارم - ادعا علیه انرژی اتمیالف - شرح واقعیات

در تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۷۷ (۱۷ آذرماه ۱۳۵۶) دیمزاند موراینترنشنال وانرژی اتمی قراردادی منعقد ساختند (قرارداد انرژی اتمی) که به تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۷ (۲۵ تیر ماه ۱۳۵۶) عطف بمسابق می‌شد. طبق قرارداد، دیمزاند موراینترنشنال موافقت کرد که در رابطه با طرح نیروگاه هسته‌ای پیشنهادی در استان اصفهان، ایران، مطالعاتی در مورد تأثیرات محیط زیست انجام دهد. انرژی اتمی موافقت کرد که صورتحسابهای این خدمات، از جمله هزینه‌های متحمله را به نرخهایی که در قرارداد ذکر شده بود بپردازد. قرارداد انرژی اتمی مقرر می‌داشت که این صورتحسابها پس از تطبیق و تأیید انرژی اتمی ظرف ۶۰ روز پس از دریافت توسط نامبرده قابل پرداخت بوده و صورتحسابهای که ظرف این مدت مورد اعتراض واقع نشود از نظر انرژی اتمی تأیید شده محسوب خواهد شد. انرژی اتمی در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ (۹ تیرماه ۱۳۵۸) قرارداد را پیش از تکمیل آن، طبق شرایط مندرج در قرارداد منسوخ کرد.

دیمزاند موراینترنشنال ۲۱ فقره صورتحساب بابت خدماتی که طی سه مرحله از قرارداد انجام داده بود، کلاً "به مبلغ ۷,۰۹۰,۹۷۱ دلار آمریکا، تسلیم داشت. انرژی اتمی بابت ۱۴ فقره صورتحساب اول مبلغی بیش از ۳/۶ میلیون دلار آمریکا پرداخته ولی نسبت به سایر مطالب مورد مطالبه در صورتحسابها اعتراض کرد. دیمزاند موراینترنشنال در پاسخ به اعتراضات انرژی اتمی، به نفع وی افتتاح اعتبار کرد.

خواهان در رابطه با صورتحسابهای شماره ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴ مدعی است که هفت روز پس از کسر کلیه مبالغی که در هنگام ارائه صورتحسابها مورد اعتراض انرژی اتمی بوده و کسر کلیه پرداختهای دیگر توسط انرژی اتمی و کسرا اعتبارات استحقاقی انرژی اتمی، وی مبلغ ۵۹۵,۲۵۹ دلار طلبکار است.

صورتحسابهای شماره ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ بین اوت ۱۹۷۸ و مارس ۱۹۷۹ به انرژی اتمی تسلیم شد. در ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ (اول مردادماه ۱۳۵۸) پس از اینکه قرارداد انرژی

اتمی فسخ شد، دیمزاند موراینترنشنال یک صورت حساب نهائی به انرژی اتمی تسلیم نمود. از آن تاریخ، انرژی اتمی نه این صورت حسابها را پرداخت و نه به آنها اعتراض نمود. در صورت حساب نهائی مبالغ صورت حسابها مجدداً "فهرست گردیده و ارائه شده است". علاوه بر این، صورت حساب نهائی شامل هزینه هاى است که قبلاً "مطالبه نشده بعلاوه برخی هزینه های فسخ. در تاریخ ۲۷ اوت ۱۹۷۹ (۵ شهریور ماه ۱۳۵۸) دکتر نوروزی، مدیر امور هسته ای وقت انرژی اتمی طی مکاتبه با دیمزاند موراینترنشنال دریافت صورت حساب نهائی را تأیید کرد. وی ایرادی به هیچ یک از ارقام مندرجه نگرفت و قول داد که "کلیه مطالبات وکل مبالغ واجب الادا" به طور قطع تسویه خواهد شد. انرژی اتمی هیچکدام از مبالغ مذکور را تأدیه ننمود. پس از آنکه خواهان بابت نقض قرارداد در یکی از دادگاههای ایالات متحده اقدام به طرح دعوی کرد، انرژی اتمی، طی نامه ای به تاریخ ژوئن ۱۹۸۰ بکلیه صورت حسابهای معنوق ایراد گرفت.

خواهان، اولاً "مبلغ ۳،۴۳۷،۵۵۳/۰۲ دلار آمریکا بابت صورت حسابهای پرداخت نشده که طبق ادعا، بموجب قرارداد و اجاب الاداست، و ثانياً "مبلغ ۴۰،۰۰۰ دلار آمریکا" بابت دفاع در برابر یک ادعای مربوط به تضمینی که توسط انرژی اتمی اقامه گردیده"، همراه با بهره این مبالغ، خواستار است.

در رابطه با ادعا بابت مبلغ اولی مذکور در بالا، خواهان ادعای خود را بنحوتخییری مطرح ساخته، طالب استرداد همان مبلغ طبق نظریه "اجرت المثل" بوده و چنین استدلال می کند که مبلغ یاد شده معادل ارزش معقول خدمات انجام شده و هزینه های متحمل است.

خواهان، به عنوان مبنای دیگری برای ادعایش استدلال می نماید که وی مبلغ ۲،۰۶۹،۲۶۸ دلار آمریکا طبق نظریه "صورت حساب ابرازی" طلبکار است. این ادعا شامل مبلغ ۱،۴۷۴،۰۰۶ دلار آمریکا، بابت کل مبالغ صورت حسابهای شماره ۱۵ تا ۱۹ و ۲۱ و مبلغ ۵۹۵،۲۶۲ دلار آمریکا بابت مبالغ پرداخت نشده صورت حسابهای شماره ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲ و ۱۴ (رجوع شود به بالا)، می باشد. خواهان استدلال می نماید که رفتار انرژی اتمی حاکی از موافقت با پرداخت مبالغ مذکور بوده و اینکه بدین طریق قرارداد جدیدی منعقد شد که از قرارداد انرژی اتمی مستقل و متمایز می باشد.

ب - صلاحیت نسبت به ادعاادعا بابت نقض قرارداد انرژی اتمی

به موجب بند ۱ ماده دویبا نیه حل و فصل دعوی، صلاحیت دیوان شامل ادعاهائی می‌شود که "از دیوان، قراردادها (از جمله معاہدات موضوع اعتبارات اسنادی یا ضمانت نامه‌های بانکی)، ضبط اموال یا سایر اقدامات موثر بر حقوق مالکیت، ناشی می‌شود، به استثنای ... ادعاهای ناشی از قراردادها و تعهدآور فیما بین طرفین که در آن قراردادها مشخصاً رسیدگی به دعوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران باشد."

انرژی اتمی باین دلیل به صلاحیت دیوان نسبت به رسیدگی به ادعا ایراد گرفته است که قرارداد انرژی اتمی شامل قیدی است در ذیل ماده ۱۶ - ۱۵ خود که در حیطه شمول قید استثنای نهائی بند ۱ ماده دو قرار می‌گیرد: قید مذکور در قرارداد دبه شرح زیر است:

در صورت عدم حصول توافق، این گونه اختلافات به هیئت مصالحه ارجاع خواهد شد. هر طرف داردیک نفر مصالحه دهنده منصوب کند و مصالحه دهنده سوم را سا زمان برنا مه و بودجه دولت ایران نصب خواهد کرد؛ هرگاه هریک از طرفین مایل نباشد که تصمیم هیئت مصالحه را بپذیرد، راجع به مسئله نهایتاً " با رجوع به دادگاههای ایران تصمیم گرفته خواهد شد.

دیوان داوری در پرونده دیگری نظرداده است که به موجب قید قرارداد ای مشابهی فاقد صلاحیت رسیدگی است. رجوع شود به: تی.سی.اس.بی. اینکوریوریتد علیه ایران، حکم اعدادی شماره ۱۴۰ - ۵ - دیوان عمومی. گرچه خواهان اظهار نموده که بارای صادره آن پرونده موافق نیست، با اینحال تصدیق می‌کند که قید انتخاب دادگاه مورد بحث در آنجا قابل تمیاز ماده ۱۶ - ۱۵ حاضر نیست. دیوان چنین نتیجه گرفته است که به موجب این ماده، فاقد صلاحیت رسیدگی به ادعای نقض قرارداد است. این نتیجه گیری شامل ادعای ۴۰،۰۰۰ دلار آمریکا " بابت دفاع در قبال ادعای تضمین مطروحه توسط انرژی اتمی" نیز می‌شود، زیرا ادعای مزبور را نیز باید ناشی از قرارداد محسوب نمود.

(دو) طرح ادعا بنحو تخییری براساس اجرت المثل و صورت حساب ابرازی

خواهان استدلال می‌نماید که، حتی اگر دیوان نسبت به ادعای نقض قرارداد صلاحیت نداشته باشد، باز خواهان می‌تواند به صورت دیگری، یعنی براساس اجرت المثل و صورت حساب تأیید شده ادعای خود را طرح نماید. انرژی اتمی به سه دلیل منکر آنست که ادعا به این صورت قابل طرح باشد: اولاً "منطوق و مدلول صلاحیت دیوان شامل ادعاهای مبتنی بر نظریه اجرت المثل یا صورت حساب ابرازی نمی‌شود، ثانیاً"، ادعا براساس هر نظریه‌ای که اقامه شود، به هر حال "ناشی از" قرارداد است و بنا براین به موجب قیود استثنای نهائی ذیل بند ۱ ماده دو قابل طرح نیست، و ثالثاً"، خسارت بابت اجرت المثل یا صورت حساب ابرازی فقط در صورتی قابل تادیه است که جبران خسارات براساس یک قرارداد قابل اجرا، امکان پذیر نباشد.

دیوان داوری قبلاً" نظر داده است که نسبت به ادعا، تا آنجا که مبتنی بر نقض ادعای قرارداد انرژی اتمی توسط انرژی اتمی باشد، صلاحیت ندارد. مسئله مهم در رابطه با ادعا به دو صورت یا د شده اینست که آیا طبق بند ۱ ماده دو بیا نیه حل و فصل دعوی اجرت المثل و صورت حساب ابرازی از قرارداد ناشی می‌شوند یا نه. چنانچه تشخیص داده شود که از قرارداد ناشی می‌شوند، دیوان نسبت به این ادعاها نیز صلاحیت نخواهد داشت.

ادعا علیه انرژی اتمی اساساً" مبتنی است بر قرارداد که بدون وجود آن نمی‌توان تصور کرد که خدماتی ارائه می‌گردید. اعتبار و لازم الاجرا بودن قرارداد نیز مورد اعتراض واقع نشده است.

ادعای اجرت المثل بابت خدماتی است که طبق قرارداد انجام گرفته است. این ادعا به وضوح از قرارداد ناشی می‌شود. بنا براین، دیوان چنین نتیجه می‌گیرد که نسبت به ادعای دارای صلاحیت نیست. قبول صلاحیت نسبت به ادعای مبتنی بر اجرت المثل، فی الواقع طفره رفتن از شرط استثنای بند ۱ ماده دو و بی اثر ساختن آن خواهد بود.

در رابطه با طرح ادعا بنحو تخییری یا به صورت حساب ابرازی، استدلال اساسی خواهان اینست که انرژی اتمی در واقع، با عدم اعتراض به تعدادی از صورت حسابهای تسلیمی به وی طرف

مدتی معقول، بطور ضمنی، بدهکار بودن خود را به خواهان تصدیق کرده است، در مورد ادعای مربوط به صورت حسابهای شماره ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲ و ۱۴، استدلال ظاهراً "اینست که مبلغ مورد مطالبه با توجه به عدم ایراد انرژی اتمی نسبت به این بخش از صورت حسابها، مورد قبول انرژی اتمی واقع شده است. به گفته خواهان، اعتراف انرژی اتمی به بدهکار بودن در حکم یک قرارداد جداگانه تازه است که از قرارداد اصلی انرژی اتمی متمایز و مستقل است. خواهان استدلال می کند که با قراردادن ادعایش بر مبنای چنین قرارداد جدیدی مانع شمول قیید انتخاب دادگاه در قرارداد انرژی اتمی میشود.

طبق یک اصل کلی پذیرفته شده در سیستمهای مختلف حقوقی، در روابط تجاری، دریافت صورت حساب و عدم اعتراض به آن ظرف مدت معینی می تواند نندیک طرف را نسبت به طرف دیگر متعهد به پرداخت مبلغ مندرج در صورت حساب نماید.

معدلک، سئوالی که در اینجا مطرح است اینست که آیا صرف سکوت انرژی اتمی در این مورد موجب بوجود آمدن قرارداد دکا ملا" جدیدی سواى قرارداد اصلی انرژی و بعنوان جانشین آن قرارداد شده است، یا خیر. دیوان داوری بر این نظر است که عدم اعتراض ادعای انرژی اتمی به صورت حسابها را نمی توان موجب بوجود آمدن یک قرارداد جدید دانست. بر همین اساس، دیوان معتقد است که ادعای تخییری بابت صورت حساب برای نیز با پیدایش از قرارداد انرژی اتمی تلقی گردیده و لهذا دیوان نسبت به ادعای صلاحیت رسیدگی ندارد.

بنا بر این نتیجه گیری دیوان اینست که بر مبنای هر یک از تئوریهای ارائه شده توسط خواهان، نسبت به ادعا علیه انرژی اتمی صلاحیت ندارد. به همین نحو ادعای متقابل انرژی اتمی نیز خارج از حیطه صلاحیت دیوان قرار می گیرد.

بخش پنجم - ادعا علیه جمهوری اسلامی ایران

خواهان مدعی است که در طول فعالیت خود در ایران، مقدار معتنا بهی اموال منقول گردد آورده بود که حسب ادعا توسط جمهوری اسلامی ایران صادره شده است. موضوع این ادعا

به روشنی در حیطه شرایط بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعوی است و لذا دیوان نسبت به ادعا دارای صلاحیت است .

طبق گفته خواهان، اموال مذکور، که شامل تعدادی خودرو، لوازم و اثاثه اداری، وسایل و تجهیزات دیگری بوده، در یک انبار خصوصی استیجاری در نزدیکی تهران و همچنین در سه آزمایشگاه محلی در نقاط گوناگون نگهداری می شده است .

خواهان اظهارنامه‌هایی به قید سوگند از آقای یعقوبیان و آقای عسکری که به ترتیب به عنوان مدیرعامل و مدیرکل شرکت خواهان در ایران در طول مدت مربوط توصیف شده‌اند، تسلیم نموده است . هر دو فرد نامبرده اظهار می‌دارند که در پانزدهم آگوست ۱۹۸۰، نمایندگان دولت ایران انبارها را اشغال و به نمایندگان خواهان اطلاع دادند که انبار برای اسکان آواره‌های جنگی مورد استفاده واقع و هرگونه تجهیزات قابل استفاده انبار شده در آن به ارتش ایران تحویل داده خواهد شد . در سوگندنامه‌ها، مضافاً " عنوان شده است که از آن به بعد دسترسی نمایندگان خواهان به تجهیزات مورد بحث ممنوعت بعمل آمد .

خواهان، همچنین فهرستی از تجهیزات را که به شرح مستخرج از سیاهه موجودی بایگانی خود مدعی است در انبار نگهداری می‌شده، با ذکر تاریخ و قیمت اولیه خرید هر قلم ارائه نموده است . خواهان، طالب استرداد کل هزینه اولیه تجهیزات به مبلغ ۳۵۴،۹۲۴ دلار آمریکا است .

در رابطه با سه آزمایشگاه محلی، خواهان اظهار می‌دارد که نتوانسته است هیچ یک از تجهیزات با قیمتی که در محل استقرار این آزمایشگاه‌ها را بدست آورد و این، واقعیتی است که به نظری حاکمی از مصدوره شدن تجهیزات است . در دو سوگندنامه مذکور در فوق گفته شده است که سوابق موجود در شرکت حاکی است که قیمت خرید اولیه تجهیزات ۸۰،۰۰۰ دلار آمریکا بوده که خواهان معادل آنرا در رابطه با ادعایش مطالبه می‌کند .

دولت جمهوری اسلامی ایران در بدو امر هرگونه مسئولیتی را در مجموع رد کرد . سپس انرژی اتمی در تاریخ ۴ آوریل و ۱۰ مه ۱۹۸۳ (۱۵ فروردین و ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) دولایحه دفاعیه در برابر ادعا تسلیم نمود . لوائح انرژی اتمی ظاهراً " از

جانب دولت ایران ارائه شده است. انرژی اتمی، اساساً مدعی است که نمایندگان مجاز خواهان کلیه تجهیزات مورد بحث را پیش از صادره ادعائی، به اشخاص و شرکتهای مختلف ایرانی انتقال دادند.

در تائید این ادعا، انرژی اتمی سوگندنامه ای از جانب آقای فلیکس ساهاکیان ارائه نموده است، شخص نامبرده را قبلاً خواهان طبق قراردادی بعنوان امین تجهیزات انبار شده تعیین کرده بود. آقای ساهاکیان اظهار می دارد که وکالت نامه ای توسط آقای عسکری مدیرکل خواهان در ایران به وی داده شد که به موجب آن وی مجاز گردید مالکیت تجهیزات یاد شده را به هرکس، از جمله خودش، واگذار نماید. نامبرده، مضافاً اظهار می دارد که برای جبران پاره ای مخارج پرداخت نشده که وی از جانب خواهان متحمل گردید، بعداً کلیه تجهیزات را به خودش منتقل ساخت. در مورد سه آزمایشگاه محلی، آقای ساهاکیان می گوید که یکی از آنها توسط خواهان به موسسه ای به نام شرکت زمیران فروخته شده و دومی به انبار منتقل شده و همراه تجهیزات دیگری به خودش منتقل گردید است. وی همچنین اظهار می دارد که پرونده های خواهان در ایران حاکی است که آزمایشگاه سوم در محل جداگانه ای نبوده و چنین نظری دهد که تجهیزات آن می بایستی همراه تجهیزات واقع در دو محل دیگر انبار شده باشد.

پیوست سوگندنامه آقای ساهاکیان وکالت نامه ای است به تاریخ ۳ آوریل ۱۹۷۹ (۱۴ فروردین ماه ۱۳۵۸) که ظاهراً توسط آقای عسکری امضاء شده است، همچنین دو سند حاکی از بدهیهای ظاهراً واجب الادا توسط خواهان به آقای ساهاکیان به علت فسوخ قرارداد استخدامی و هزینه های متحمل شده توسط وی از جانب خواهان، اظهاریه حقوق مالکیت به تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۷۹ (۲ فروردین ماه ۱۳۵۸) ظاهراً به امضای آقای عسکری مبنی بر اینکه کلیه تجهیزات انبار شده متعلق به آقای ساهاکیان بوده و خواهان دیگر هیچ گونه حقی بر تجهیزات ندارد، و بالاخره یک نامه بدون تاریخ از جانب مهندسین مشاور زمیران به دیمزاند موراینترنشنال، مبنی بر اینکه خواهان یکی از آزمایشگاههای صحرایی را در تاریخ ۱۸ اوت ۱۹۷۹ (۲۷ مرداد ماه ۱۳۵۸) به زمیران فروخته و نیز تقاضای پرداخت اجاره بابت ادا ماه استفاده از تجهیزات توسط دیمزاند موراینترنشنال تا تاریخ

۲۱ نوامبر ۱۹۷۹ (۳۰ آبانماہ ۱۳۵۸)، و همچنین، ضمن دست نویس درحاشیه به این عبارت که اجاره مورد تقاضا به طور کامل پرداخت شده است .

نه دولت ایران و نه انرژی اتمی مدارک خواهان را مبنی بر اینکه انبار و محتویات آن توسط نمایندگان دولت صادره گردیده مورد اعتراض قرار نداده اند . تصرف یکجانبه اموال و منع استفاده از آن توسط مالکان ذیحق، می تواند، حتی بدون تصویب نامرسمی در خصوص مالکیت اموال، صادره تلقی شود . مداخله در استفاده از تجهیزات انبار شده در پرونده حاضر آنچنان زیاد است که باید غیر موجه تلقی گردد . بنا بر این، دیوان بر این نظر است که حداقل از اول ژانویه ۱۹۸۱ (۱۱ دیماه ۱۳۵۹) قبض اموال صورت پذیرفته است .

با مرور مدارک تسلیمی، دیوان چنین نتیجه می گیرد که ادعای انتقال حقوق مالکیت تجهیزات انبار شده توسط خواهان (به غیر) بطور کافی اثبات نشده است . بر مبنای این نتیجه گیری که اموال مورد بحث توسط دولت ایران قبض گردیده است، دیوان بر این نظر است که خواهان مستحق استرداد قیمت تجهیزات از اول ژانویه ۱۹۸۱ (۱۱ دیماه ۱۳۵۹) می باشد .

مدارک مربوط به وقوع تصرف در رابطه با آزمایشگاه های محلی چندان قانع کننده، نیست . خواهان، هیچگونه مدارکی دال بر مصدوره تجهیزاتش ارائه نداده و همچنین مدارک خواننده در مورد انتقال یکی از آزمایشگاه های یاد شده را مورد اعتراض قرار نداده است . معذالک، مدارک خواننده حاکی است که یکی دیگر از آزمایشگاه ها قبلاً، پیش از مصدوره توسط دولت در انبار قرار داده شده بود . باید نتیجه گرفت که تجهیزات این آزمایشگاه جزو اموال قبض شده بوده و لذا باید در حکم مربوط گنجانده شود . ادعای خواهان در مورد دو آزمایشگاه دیگر بایده علت فقد دلیل رد شود .

خواهان، در مورد ارزش تجهیزات صادره شده، مدارک و مطالبی ارائه نموده حاکی از اینکه ارزش اولیه خرید کلیه اقلام انبار شده، از جمله یک آزمایشگاه محلی بالغ بر ۳۵۴،۹۲۴ دلار آمریکا بوده است . معذاً، در مورد رابطه بین قیمت هر قلم در تاریخ خرید و ارزش آن در پائیز ۱۹۸۰ مدرکی ارائه نشده است . به علت این نقص دلیل و مشکلات تعیین میزان

واقعی خسارات در این مورد با هر مقدار دقت و صحت، قابل توجیه است که دیوان چنین مبلغی را برآورد نماید. با توجه به کلیه شرایط و اوضاع و احوال، از جمله عمر تجهیزات، دیوان برای این نظر است که ارزش تقریبی اموال مصادره شده خواهان ۱۰۰،۰۰۰ دلار بوده که اکنون مستحق دریافت معادل آنست.

خواهان، همچنین بهره‌های این ادعا را به نرخهای متفاوت طالب است. نظر دیوان اینست که خواهان مستحق دریافت بهره اصل مبلغ حکم در این ادعا به نرخ ۱۰ درصد در سال از اول ژانویه ۱۹۸۱ (۱۱ دیماه ۱۳۵۹) تا تاریخی است که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را به بانک امین صادر کنند.

بخش ششم - ادعا علیه شرکت فولاد

خواهان بابت مبالغی که حسب ادعا جهت خدمات ارائه شده طبق قرارداد مورخ اول اوت ۱۹۷۵ (۱۰ مرداد ماه ۱۳۵۴) واجب الاداست علیه شرکت نامبرده اقدام دعوی کرده است. خواهان مدعی است که به موجب قرارداد، دیمزاند مورایبتر نشنال درجیلن ساختمان یک کارخانه فولادسازی در اهواز، ایران، از اوایل سال ۱۹۷۹ تا بهار ۱۹۸۰ خدماتی در زمینه کنترل مرغوبیت ارائه نموده است. خواهان مبلغ ۱۲۳،۵۲۳ دلار آمریکا به عنوان معادل دلاری مبلغ واجب الادا طبق شش فقره صورت حساب صادره از تاریخ ۲ ژوئن ۱۹۷۹ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۲ خرداد ماه ۱۳۵۸ تا ۱۰ دیماه ۱۳۵۸) به میزان کل ۸،۶۸۹،۸۷۴ ریال، خواستار است.

شرکت فولاد اظهاری داد که دیوان داری فاقد صلاحیت رسیدگی به این ادعاست چنانچه ادعای مزبور از قرارداد ناشی می‌شود که به موجب قید انتخاب دادگاه مندرج در آن، در حیطه شمول قیادتشنای نهائی بند ۱، ماده دو بیانه حل و فصل دعوی واقع می‌شود. در مورد اصل دعوی، شرکت فولاد با اظهاری این مطلب به دفاع پرداخته که تعهداتش را در موردش فقره صورت حساب یاد شده و نیز یک فقره صورت حساب هفتم که در طول همین مدت صادر شده، اجرا نموده است. شرکت فولاد مدعی است که کل مبلغ این هفت صورت حساب بالغ بر ۱۱،۰۲۰،۰۳۱ ریال بوده که پس از وضع کسورات قانونی و گذاشتن مبلغ ۳،۰۰۰،۰۰۰ ریال به بستانکار حساب خود با بابت "پرداختهای علی الحساب"، بطور خالص ۷،۳۹۱،۸۸۹ ریال در تاریخ ۳ فوریه ۱۹۸۰ (۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۹) به حساب بانکی

- ۲۰ -

دیمزاند موراینترنشنال واریز کرده است . بعلاوه ، شرکت فولادمعدی است که در همان روز ، مبلغ یاد شده به آقای فلیکس ساهاکیان به عنوان نماینده دیمزاند موراینترنشنال پرداخت شده است .

ماده ۲۰ قرارداد دروشی را مقرر می دارد که با توافق طرفین جهت حل و فصل اختلافات تعیین شده است . ماده مزبور ، در قسمت مربوط ، به شرح زیر است :

کلیه اختلافاتی که ممکن است بر اثر این قرارداد یا تعبیر و تفسیر مندرجات آن بین طرفین قرارداد درخ دهد و نتوان آنها را حل و فصل کرد در کمیسیونی مرکب از بالاترین مقام دستگاه اجرایی (یا معاون او) و مهندس مشاور طرف قرارداد مطرح و در صورتی که نتوانند بر مبنای قرارداد و مقررات مربوط اختلافات را حل کنند موضوع طبق قوانین ایران از طریق مراجعه به دادگاههای صالحه حل و فصل خواهد گردید .

دیوان داوری قبلاً در پرونده های دیگر نظر داده است که ادعاهای ناشی از قراردادهای حاوی شرایط مشابه مشمول قید استثنای نهائی بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعوی نمی باشد . رجوع شود فی المثل به : گبیزاندهیل اینکورپوریتد علیه شرکت توانیر و دیگران ، حکم عددی شماره ۶ - ۱ دیوان عمومی . بنا به دلایل مذکور در حکم یاد شده ، دیوان معتقد است که ادعا به موجب ماده ۲۰ قرارداد از حیث صلاحیت دیوان خارج نیست . شرکت فولاد در تائید دفاع خود در مورد اصل دعوی ، صورتحسابهای بانکی و مدارک مالی دیگری را که حاکمی از پرداخت مبلغ ۷,۳۹۱,۸۸۹ ریال توسط وی به حساب بانکی دیمزاند موراینترنشنال و پرداخت بعدی این مبلغ به آقای ساهاکیان بوده ، تسلیم داشته است . خواهان با توجه به این مدارک ، ادعای پرداخت (توسط خواننده) را پذیرفته است .

خواهان رقم ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال مکسوره از مبالغ صورتحسابهایش توسط شرکت فولاد را ،

همچنان مطالبه می‌کند. شرکت فولاد اظهاری می‌دارد که رقم مزبور معادل مبلغی است که "قبلاً" به طور علی‌الحساب پرداخت شده است. خواهان منکر آنست که دیمزاند موراً اینترنشنال هرگز چنین مبلغی را به عنوان پیش پرداخت دریافت نموده و اظهار می‌دارد که این رقم شامل وجوهی بوده که به کارکنان سابق آن شرکت که بطور مستقیم به استخدام مجدد شرکت فولاد در آمدند پرداخت شده است. خواهان در تائید موضع خود به اظهارات خود شرکت فولاد در مورد پرداختهای مزبور و اینکه در قراردادها هیچگونه پیش پرداختی مقرر نگردیده، اشاره می‌نماید.

معهداً، شرکت فولاد مدارک مالی ارائه نموده که موبدا اظهارات آن و حاکی از آنست که مبلغ ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال در طول سال ۱۹۷۹، یعنی در مدتی که دیمزاند موراً اینترنشنال صورت حسابها را تسلیم نمود، پرداخت شده است. هیچ اشاره و نشانه‌ای که موجب تردید در صحت و سندیت مدارک یا د شده شود، وجود ندارد و با توجه به این واقعیت که نشانه‌ای در دست نیست که دیمزاند موراً اینترنشنال در آن زمان به مبلغ پرداختی بابت صورت حسابها اعتراض کرده باشد، دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعا با یدیه علت فقد دلیل مردود شناخته شود.

بخش هفتم - ادعاهای متقابل شرکت فولاد

شرکت فولاد چهار فقره ادعای متقابل جداگانه علیه خواهان در رابطه با تعهدات و مسئولیتهای ادعائی دیمزاند موراً اینترنشنال مطرح می‌سازد. اولاً، شرکت فولاد مدعی است که مدیران خارجی دیمزاند موراً اینترنشنال در سال ۱۹۷۸، برخلاف قرارداد، ایران را ترک گفته و بدین ترتیب باعث شدند که شرکت نا میرده متخصصین جدیدی را برای اجرای کارهای مقرر در قرارداد استخدام نماید. شرکت فولاد مدعی است مبلغ ۴۲,۰۷۷/۲۰ دلار بیه کارکنان مزبور پرداخت کرده است.

ثانیاً، شرکت فولاد ادعا می‌نماید که دیمزاند موراً اینترنشنال حق بیمه‌های اجتماعی واجب‌الاداب بابت کارهای انجام شده توسط کارکنان را، که طبق اظهار شرکت یا د شده، بخش غیر مشخصی از آنرا خود طبق ماده ۳۸ قانون بیمه‌های اجتماعی ایران پرداخته،

تأدیة ننموده است . شرکت فولاد اکنون معادل دلاری مبلغ ۱۷,۴۶۴,۸۹۲ ریال بابت ادعای متقابل حاضر مطالبه می‌کند .

ثالثاً ، شرکت فولاد مدعی است آزمایشات خاکشناسی جهت احداث کارخانه ذوب آهن اهواز منجر به نقایص عمده‌ای در پی ساختمان شده‌است " احداث گردید . شرکت فولاد بابت مخارجی که حسب الادعا جهت بررسی و کشف و رفع نقایص در پی ساختمان متحمل شده ، مبلغ ۱,۴۷۴,۰۰۰ دلار آمریکا مطالبه می‌نماید .

رابعاً ، شرکت فولاد بابت " اتهام دروغ و لطمه‌ای " ، که حسب ادعا به علت طرح پرونده خواهان به شهرت وی وارد شده ، خسارات نامشخصی را مطالبه می‌کند .

(الف) ادعای متقابل استرداد وجه پرداختی به کارکنان

شرکت فولاد هیچگونه مدرکی در تائید ادعایش مبنی بر اینکه کارمندان جدیدی را جهت اجرای تعهدات قراردادی دیمزاند موراینترنشنال استخدام نموده و به آنها پول پرداخته ، ارائه نکرده است . پاره‌ای اسناد بانکی و مدارک داخلی شرکت که توسط شرکت فولاد تسلیم گردیده ، حاکیست که تا میرده فقط مبلغ ۸۵۶,۰۰۰ ریال به پنج نفر کارمندان دیمزاند موراینترنشنال جهت خدمات ارائه شده از ۲۰ مارس تا ۲۰ آوریل ۱۹۸۱ (۲۹ اسفندماه ۱۳۵۹ تا ۳۱ فروردینماه ۱۳۶۰) پرداخت کرده است . مع هذا ، همین مدارک نشان می‌دهد که صورت حساب دیمزاند موراینترنشنال این دوره هنوز تهیه نشده و در هر صورت این صورت حساب " مردود شناخته می‌شد . " این پرداخت بابت خدماتی صورت گرفته بود که توسط پرسنل دیمزاند موراینترنشنال انجام شده و شرکت فولاد در هر صورت طبق قرارداد ملزم به پرداخت آن به دیمزاند موراینترنشنال بود . لهذا ، این پرداخت ایجاد مسئولیت نمی‌کند . در غیاب مدارک دیگر ، دیوان داورى بناچار ادعای متقابل مذکور را به علت فقد دلیل رد می‌کند .

(ب) ادعای متقابل بابت حق بیمه‌های اجتماعی

مدرک مربوط به بدهی دیمزاند موراینترنشنال بابت عدم پرداخت حق بیمه‌های اجتماعی

شامل نامه‌ای است به تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۸۲ (۱۸ فروردینماه ۱۳۶۱) از سازمان بیمه‌های اجتماعی ایران به شرکت فولاد مینی برای اینکه براساس مبلغ ۷۷,۰۴۳,۸۶۰ ریالی که طبق قرارداد پرداخت شده، دیمزاند موراینترنشنال کلا " ۱۷,۴۶۴,۸۹۲ ریال بابت اصل و خسارات دیرکرد، بدهکار است. روش احتساب مبلغ بدهی مشخص نگردیده و در نامه هم اشاره‌ای نشده که سوابق موجود در سازمان بیمه‌های اجتماعی برای تعیین پرداخت‌هایی که اجیاناً " از این بابت قبلاً" صورت گرفته، بررسی شده‌اند و بالاخره مبنای قانونی محاسبه نیز ذکر نگردیده است.

در رابطه با نامه مورخ ۲۷ آوریل ۱۹۸۲ (۱۸ فروردینماه ۱۳۶۱)، دیوان، علاوه بر این متذکر می‌گردد که شرکت فولاد مدعی شده است که طبق ماده ۳۸ قانون بیمه‌های اجتماعی پاره‌ای از پرداخت‌ها را از جانب دیمزاند موراینترنشنال صورت داده است. این پرداخت‌ها می‌بایستی از کل میزان بدهی کسر و در محاسبه مبالغ واجب الادم منظور شده باشد. مع هذا، در نامه چنین رقمی مشخص نگردیده و این امر حاکی از آنست که یا پرداختی صورت نگرفته و یا اینکه محاسبه غلط است. بعلاوه، خواهان اظهار می‌دارد که حق بیمه‌های اجتماعی فقط نسبت به حقوق کارکنان که صرفاً " ۲۰ درصد کل مبالغ پرداختی طبق قرارداد را شامل می‌شود قابل پرداخت است. شرکت فولاد اذاعتراضی به این استدلال ننموده است.

دیوان داوری به این نتیجه می‌رسد که مدارک موجود کافی برای اثبات دین نیست و گرچه خواهان به صلاحیت دیوان نسبت به این ادعا، به تعدادی دلایل ایراد گرفته است، با اینحال با توجه به نتیجه‌گیری فوق، دیوان لزومی به رسیدگی به این اعتراض نمی‌بیند.

(ج) ادعای متقابل بابت نقص در اجرا

در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۲ (۲۶ آبانماه ۱۳۶۱) یعنی روز برگزاری جلسه استماع ^(۱۶) مقدماتی، شرکت فولاد سومین ادعای متقابل خود را بابت خساراتی که حسب از آزمایشات ظاهراً " ناقص خاکشناسی توسط دیمزاند موراینترنشنال وارد شده، تسلیم نمود.

ادعا علیه خواننده مرکز پزشکی ایران و ادعاهای متقابل نامبرده مردود شناخته میشود.

ادعا علیه خواننده، سازمان انرژی اتمی و ادعاهای متقابل نامبرده مردود شناخته میشود.

ادعا علیه خواننده، شرکت ملی فولاد ایران و ادعاهای متقابل نامبرده مردود شناخته میشود.

خواننده جمهوری اسلامی ایران ملزم است، وباید مبلغ یکمدهزار دلار آمریکا (۱۰۰،۰۰۰ دلار) بعلاوه بهره ساده به خواهان دیمزاند مور بپردازد. بهره مزبور به نرخ ۱۰٪ در سال که از اول ژانویه ۱۹۸۱ (۱۱ دیماه ۱۳۵۹) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت حکم را به بانک امین صادر کند، محاسبه میشود.

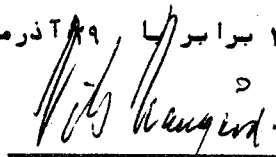
خواننده شرکت ملی گاز ایران ملزم است، وباید مبلغ یکمدهشت هزار و چهارصد و سی و پنج دلار آمریکا (۱۰۸،۴۳۵ دلار) بعلاوه بهره ساده به خواهان دیمزاند مور بپردازد. بهره مزبور به نرخ ۱۰٪ که از ۲۴ نوامبر ۱۹۷۸ (۳ آذرماه ۱۳۵۷) لغایت تاریخی که کارگزار امانی، دستور پرداخت حکم را به بانک امین صادر کند، محاسبه خواهد شد.

این پرداختها باید از حساب تضمینی که بموجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر افتتاح شده بعمل آید.

هریک از طرفین مسئول هزینههای داوری خود میباشد.

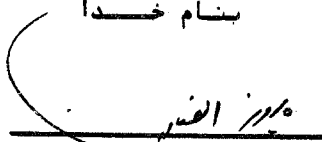
حکم حاضر بدینوسیله جهت اطلاع به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم میگردد.

لاه، بتاريخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳ برابر با ۲۹ آذرماه ۱۳۶۲



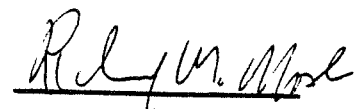
نیلس کنگارد
رئیس شعبه سه

بنام خدا



پرویز انصاری معین

نظر مخالف در مورد قسمتها سوم، پنجم، هفت و هشتم



ریچارد ام. ماسک

نظر مخالف در مورد بخش چهارم